



Analysis of Textual Cohesion Elements in the Supplication of Makārim al-Akhlāq by Imam Sajjād (pbuh)

Hasan Kharaghani¹ | Nouruddin Parvin² | Javad Moein³

1. Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Razavi University of Islamic Sciences, Mashhad, Iran. Email: kharaghani@razavi.ac.ir
2. Corresponding Author, Associate Professor, Department of Arabic Language and Literature, Shahid Mahalati Islamic Sciences University, Qom, Iran. Email: norudin.parvin@yahoo.com
3. Level Four Graduate of Khorasan Seminary, Member of the Academic Group of Arabic Language and Literature, Al-Mustafa International University, Khorasan Branch, Mashhad, Iran. Email: jmoein56@yahoo.com

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 5 January 2025

Revised: 29 March 2025

Accepted: 13 May 2025

Available online 24 May 2025

Keywords:

Cohesion, Ṣaḥīfa Sajjādiyya, Supplication of Makārim al-Akhlāq.



ABSTRACT

The elements of textual cohesion are embedded within the linguistic system, such as vocabulary, reference, substitution, conjunction, etc., all of which are inherent to the language itself. The greater the use of these elements in a text, the more enduring it becomes. Al-Ṣaḥīfa al-Sajjādiyya, given its precious content, is characterized by a dignified and solid style, and one of the main reasons for its lasting influence is the systematic cohesion imparted to it by Imam Sajjād (pbuh). The twentieth supplication, Makārim al-Akhlāq, is the most renowned prayer in the Ṣaḥīfa Sajjādiyya, distinguished by the quality of its words, sentences, profound concepts, and the beauty embedded within them, all expressed at the pinnacle of eloquence and rhetoric. The present study, employing content analysis, examines the elements of textual cohesion in the Supplication of Makārim al-Akhlāq by Imam Sajjād (pbuh) based on the Halliday and Hasan's theory. One of the key findings of this study is that the supplication has both social and individual dimensions. Each section is interconnected through lexical, grammatical, and conjunctive cohesive elements, with each component complementing the previous one. In fact, all components collectively represent social and individual values, thereby creating a beautiful continuum and cohesion.

Cite this article: Kharaghani, H.; Parvin, N.; Moein, J. (2023). Analysis of Textual Cohesion Elements in the Supplication of Makārim al-Akhlāq by Imam Sajjād (pbuh). *Hadith Doctrines*, 7(14), 27-49. <https://doi.org/10.30513/hd.2025.6661.1235>



© The Author(s).

Publisher: Razavi University of Islamic Sciences.



بررسی عناصر انسجام متن در دعای مکارم اخلاق امام سجاده (ع)

حسن خرقانی^۱ | نورالدین پروین^۲ | جواد معین^۳

۱. استاد، گروه علوم قرآنی و حدیث، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران. رایانامه: kharaghani@razavi.ac.ir
۲. نویسنده مسئول، دانشیار، گروه زبان و ادبیات عرب، دانشگاه علوم اسلامی محلاتی، قم، ایران. رایانامه: norudin.parvin@yahoo.com
۳. دانش‌آموخته سطح چهار حوزه علمیه خراسان و عضو گروه علمی زبان و ادبیات عرب جامعه المصطفی العالمیه نمایندگی خراسان، مشهد، ایران. رایانامه: jmoicin56@yahoo.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۱۶ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۱/۰۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۲۳ تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۴/۰۳/۰۳ کلیدواژه‌ها: انسجام، صحیفه سجاده، دعای مکارم الاخلاق. 	عناصر انسجام متن در ابزارهای نظام زبانی، همچون واژگان، ارجاع، جانشینی، ربط و... نهفته است که در خود زبان قرار دارد. هر چه میزان کاربرد این عناصر در یک متن بالاتر باشد مانایی آن بیشتر خواهد بود. صحیفه سجاده با توجه به محتوای گران‌قدر آن دارای سبکی متین و مستحکم است و یکی از دلایل ماندگاری آن انسجام منظمی است که امام سجاده (ع) به آن بخشیده است. دعای بیستم مکارم الاخلاق مشهورترین دعای صحیفه سجاده است که از نظر کیفیت کلمات، جملات، مفاهیم عمیق و زیبایی‌های نهفته در آن‌ها در اوج بلاغت و فصاحت بیان شده است. پژوهش حاضر با روش تحلیل محتوا به بررسی عناصر انسجام متنی در دعای مکارم اخلاق امام سجاده (ع) بر اساس نظریه هالیدی و حسن می‌پردازد. از مهم‌ترین دستاوردهای پژوهش حاضر این است که دعا دو محور اجتماعی و فردی دارد که هر فراز با عناصر انسجام‌بخش واژگانی، دستوری و پیوندی مرتبط شده است و هر کدام از سازه‌ها تکمیل‌کننده سازه قبل و در واقع، همه سازه‌ها بیانگر ارزش‌های اجتماعی و فردی است که نوعی انسجام و پیوستار زیبا را شکل داده‌اند.
استناد: خرقانی، حسن؛ پروین، نورالدین؛ معین، جواد. (۱۴۰۲). بررسی عناصر انسجام متن در دعای مکارم اخلاق امام سجاده (ع). آموزه‌های حدیثی، ۷(۱۴)، ۲۷-۴۹. https://doi.org/10.30513/hd.2025.6661.1235	
ناشر: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.	© نویسندگان.



مقدمه

در آفرینش ادبی همه چیز از ابتدا بر اساس انتخاب یک مورد از تعداد کثیری موارد صورت می گیرد و آنچه سبک ادیب را تعیین می کند مجموعه ای از انتخاب های کلی و گزینش های دقیق است که او آگاهانه یا ناخودآگاه در مراحل مختلف کار خود انجام داده است. این انتخاب و گزینش هرچند که همیشه خودآگاه هم نباشد، در واقع، یک فرایند دائمی و فعال است که در هر لحظه از ابتدا تا انتهای یک اثر ادبی وجود دارد (امینی، ۱۳۸۸، ص ۲۷). با توجه به این که انسجام و پیوستار متنی از عالی ترین خصایص یک اثر ادبی است، خواه آن اثر غزل، قصیده، خطبه، دعا و یا از دیگر انواع ادبی باشد، بحث بر روی این شاخصه از دیرباز در کلام ناقدان کهن وجود داشته و آن ها چکامه یا اثری را می پسندیدند که دارای وحدت موضوعی باشد. قضیه انسجام در دوران معاصر پیچیده تر و دقیق تر است و دیگر وجود وحدت موضوعی باعث امتیاز اثر نمی گردد، بلکه انسجام عضوی و ارگانیک برای یک اثر از انسجام موضوعی مهم تر است (ابراهیمی، ۱۳۹۶، ص ۲). با توجه به اهمیتی که انسجام و پیوستار متنی در تبیین افکار و آرای ادیب و جاودانگی اثر دارد، می توان با بررسی آن به خفایای نگرش ادیب پی برد و سبک شخصی ایشان را کشف و از دیگران متمایز نمود. صحیفه سجاده به فراخور فحوای آن در جهان اسلام به صورت عام و در ادبیات شیعی به صورت خاص از اهمیت شایانی برخوردار است. یکی از مشهورترین دعاها این اثر گران قدر دعای بیستم در مورد مکارم الاخلاق است که با توجه به محتوا و مضامین عالی و رهنمودهای تربیتی از دیرباز مورد توجه محققان بوده است. از این رو پژوهش حاضر بر آن است با روش تحلیل محتوا به بررسی انسجام متنی این دعای صحیفه سجاده بپردازد تا به سؤالات زیر پاسخ دهد:

برجسته ترین عناصر انسجام متنی در دعای مکارم اخلاق کدام است؟

کارکرد انسجام متنی در بیان محتوای دعا چگونه است؟

پیشینه پژوهش

درباره صحیفه سجاده پژوهش هایی ارزشمند انجام شده است و در خصوص انسجام متنی نیز بررسی هایی صورت گرفته است. در این زمینه مهم ترین مقاله ها به قرار زیر است:

مقاله «تحلیل هم‌ارزی انسجام دستوری غیرساختاری در دعای دوازدهم صحیفه سجادیه و ترجمه‌های آن» از علی‌اکبر نورسیده و مسعود سلمانی حقیقی. در این مقاله به بررسی مؤلفه‌های انسجام دستوری غیرساختاری در متن دعای دوازدهم صحیفه سجادیه و چهار ترجمه آن پرداخته شده است.

مقاله «سبک‌شناسی دعای مکارم‌الاخلاق» از زهرا قاسم‌پیوندی و همکاران. در این مقاله به بررسی آواها و موسیقی و گزینش اسلوب‌های نحوی و صرفی پرداخته شده است. پژوهشی با عنوان «بررسی عناصر انسجام متن خمس عشره امام سجاده (ع)» از اصغر ولی‌زاده. این مقاله عناصر انسجام متنی را در پانزده مناجات اول صحیفه بررسی می‌کند. پژوهشی با عنوان «بررسی عناصر انسجام متن در پنج دعا از صحیفه سجادیه» از مطهره وطن‌خواه که در آن به بررسی عناصر انسجام‌بخش در پنج دعای اول صحیفه پرداخته شده است.

اما مقاله حاضر از این نظر که به بررسی عناصر انسجام متنی در سه سطح واژگانی، دستوری و عوامل پیوندی در دعای بیستم صحیفه می‌پردازد، کاملاً نو است.

ادبیات نظری پژوهش

۱. مفهوم انسجام

«انسجام» از ماده «سجم» برگرفته شده و به معنای روان شدن و سرازیری آب و اشک است. گفته می‌شود: «انسجم الماء و الدمع فهو منسجم» (ابن‌منظور، ۱۳۶۳، ج ۱۲، ص ۲۸۰-۲۸۱). در اصطلاح بلاغت، مقصود از انسجام سخن، تهی بودن آن از پیچیدگی و تکلف، و داشتن ترکیبی آسان و الفاظی روان است؛ گویا سخن همانند آبی روان است (تهانوی، ۱۹۹۶، ج ۱، ص ۲۸۱-۲۸۲؛ مطلوب، ۲۰۰۰، ص ۱۹۳-۱۹۴).

در زبان‌شناسی، انسجام (Cohesion) به روابط معنایی موجود در متن می‌پردازد و به نحوه ترکیب جملات به‌وسیله اتصالات درون‌متنی در یک متن گفته می‌شود و آن را به‌عنوان یک متن از غیر متن جدا می‌کند. اگر اجزای جمله‌های نوشته یا گفته‌ای به هم مربوط باشند، آن نوشته یا گفته، متن (Text) را شکل می‌دهد. از این‌رو ویژگی اصلی متن داشتن انسجام است و هیچ متنی بدون انسجام وجود نخواهد داشت. البته ممکن

است که انسجام ضعیف‌تر یا قوی‌تر باشد. انسجام به‌طور کلی به‌واسطهٔ زنجیره‌های سطحی زبانی حاصل می‌شود (داد، ۱۳۸۳، ص ۵۵ و ۵۶؛ فرج، ۲۰۰۹، ص ۸۰-۸۱).
با دقت در معنای واژه و تعریف مذکور می‌توان گفت اگر کلام به‌منظور القای معنا، بر اساس الگوهای صحیح زبانی بیان شود، گویی همچون آبی است که به‌دور از هر گونه انحرافی در مسیری مشخص جاری گشته است. از منظر دانش زبان‌شناسی، انسجام ابزار زبانی است که نقش اساسی را در تحقق متنیت یا شکل‌گیری ساختار متن ایفا می‌کند. این اصطلاح برای اولین بار توسط مایکل هالیدی و رقیه حسن در کتاب انسجام انگلیسی مطرح شد. آن دو انسجام را یک مفهوم معنایی می‌دانند که به روابط معنایی موجود در متن اشاره می‌کند و شناسایی متن از غیر متن را میسر می‌سازد (Halliday & Hasan, 1976, p. 4). انسجام معیاری است که از ارتباط درونی بین کلمات و مفاهیم داخل متن حاصل می‌شود و پیوستگی مفاهیم و ارتباط آن‌ها و اتصال جمله‌ها را بررسی می‌کند (مصلوح، ۱۹۹۱، ص ۱۵۴). عوامل انسجام متنی و روابط جمله‌ای از نظر هلیدی و حسن به سه دسته تقسیم می‌شوند:

- الف. واژگانی: این عامل شامل تکرار، باهم‌آیی و هم‌معنایی است؛
- ب. عوامل دستوری: شامل ارجاع، جایگزینی، و حذف؛
- ج. عوامل پیوندی: شامل حروف ربط (ولینی و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۲).

۱-۱. انسجام واژگانی

این نوع انسجام مبتنی بر رابطه‌ای است که واحدهای واژگانی زبان به‌لحاظ محتوای معنایی‌شان با یکدیگر دارند و متن به‌واسطهٔ این روابط می‌تواند تداوم و انسجام به خود بگیرد (مهاجر و نبوی، ۱۳۷۶، ص ۶۸)، چرا که جلوه‌گاه تمام شیوه‌های تعبیر، واژه‌ها هستند. باید پذیرفت که واژه‌ها نقش اصلی را در انتقال عواطف و اندیشه‌های ادیبان بازی می‌کنند. گزینش آن‌ها امر بسیار مهم و بیانگر توانایی و غنای ذخیرهٔ لغوی مؤلف است. ثروت لغوی یا دایرهٔ واژگانی که شاعر یا نویسنده در اثر خویش به کار می‌گیرد، یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های سبک و ساختار اثر وی است و از فصاحت و بلاغت وی در تألیف ادبی پرده برمی‌دارد (اناری بزچلوئی و امیدوار، ۱۳۹۱، ص ۳۱). همهٔ قشرهای بشر متأثر از واژه‌ها

بوده‌اند، واژه‌هایی که به‌عنوان ابزار کنترل‌کننده اشیا به حساب می‌آیند. واژه‌ها در هر دوره به انسان‌ها کمک می‌کنند تا واجد قدرتی جادویی شوند (اگدن و ریچاردز، ۱۳۹۲، ص ۴۷-۴۸).

پیوند واژگانی به سه زیرمجموعه تقسیم می‌شود: تکرار، هم‌معنایی (ترادف) و هم‌آبی. تکرار و هم‌معنایی هر دو نمونه‌ای از تکرارند. بنابراین، این نوع انسجام خود به دو دسته اصلی تکرار (Reiteration) و هم‌آبی (Collocation) تقسیم می‌شود (خطابی، ۱۹۹۱، ص ۲۴-۲۵).

۱-۱-۱. تکرار

تکرار عناصر یکسان و همگون در متن سبب اتصال و پیوند اجزای آن با یکدیگر می‌شود. درسلر معتقد است که «این نوع تکرار، به تولیدکننده متن قدرت خلق اشکال جدید زبانی را می‌دهد، زیرا یکی از دو عنصر مکرر قطعاً فهم دیگری را آسان می‌کند» (مختاری و خدابخش‌نژاد، ۱۳۹۷، ص ۱۱۵). در متن تکرار به معنا و مفهوم متون، نوعی اصالت و عمق می‌بخشد و باعث می‌شود کلام درباره یک محور دور بزند، عواطف را تشدید و بر اثرگذاری آن بیفزاید، با ایجاد هم‌حروفی و تکرار صداهایی خاص، آهنگ کلام را به سمت یک ریتم مشخص هدایت می‌کند (ملانکه، ۱۹۷۸، ص ۲۲۸). تکرار در متن موجب برجسته‌سازی می‌گردد، «خواه این برجسته‌سازی در جهت مثبت باشد و خواه به‌منظور تحقیر و ابزار نفرت، در هر دو حال، تکرار بهترین وسیله مشخص کردن است» (متحدین، ۱۳۵۴، ص ۵۰۷). تکرار در صنایع بدیعی شامل تکرار صامت‌ها، مصوت‌ها، کلمات و عبارات می‌شود. تکرار از یک سو، برای اهدافی مثل تأکید و تثبیت معنا می‌آید و از سوی دیگر، نقشی بسزا در موسیقی متون دارد (خرقانی، ۱۴۰۳، ص ۱۰۴-۱۰۹؛ غنیمی هلال، ۲۰۰۱، ص ۲۳۹). امام سجاده (ع) در دعای مکارم اخلاق از تکرار به‌صورت‌های مختلف بهره برده است که در این جا به برجسته‌ترین آن‌ها در سطح واژه و جمله اشاره می‌کنیم.

۱-۱-۱-۱. تکرار واژگان

امام (ع) با تکرار واژگان کلیدی سعی بر آن دارد ضمن بیان مفهوم مورد نظر، انسجام قوی را در آن شکل دهد، چرا که انسجام دستوری یک متن دلالت اهمیت و اعتقاد ادیب

به موضوع است که این مهم به صورت‌های مختلفی (واژه، ضمیر و...) در متن مشاهده می‌شود:

«وَبَلِّغْ بِإِيمَانِي أَكْمَلَ الْإِيمَانِ، وَاجْعَلْ يَقِينِي أَفْضَلَ الْبَقِيَّةِ، وَانْتَهِ بِنَبِيِّي إِلَى أَحْسَنِ النَّبِيَّاتِ، وَبِعَمَلِي إِلَى أَحْسَنِ الْأَعْمَالِ. اللَّهُمَّ وَفِّرْ بِلُطْفِكَ نَبِيَّتِي، وَصَحِّحْ بِمَا عِنْدَكَ يَقِينِي...»؛ خدایا! بر محمد و آلش درود فرست و ایمانم را به کامل‌ترین ایمان رسان و یقینم را برترین یقین قرار ده و نیتم را به بهترین نیت‌ها و عملم را به بهترین اعمال پایان بخش. خدایا! نیتم را به لطفت کامل گردان و یقینم را به رحمتت در گردونه صحت و سلامت قرار ده (صحیفه سجاده، ۱۳۷۶، ص ۹۷).

در این فرازا، امام (ع) تصویری از قله‌های ایمان، یقین و نیت‌های نیک به نمایش می‌گذارند که دعاکننده پلکانی رو به این قله‌ها پیش‌رو دارد و امام رسیدن به انتهای مسیر را از خداوند خواهان است و مجدد نیز بازگشتی به نیت و یقین می‌شود. در این جا می‌شد به جای تکرار واژگان از ضمیر آن‌ها استفاده شود و مثلاً گفته شود: «وَبَلِّغْ بِإِيمَانِي أَكْمَلَهُ»، ولی تکرار تأکید بیشتری بر خصوصیات است و آن‌ها را برجسته‌تر می‌سازد.

«اللَّهُمَّ خُذْ لِنَفْسِكَ مِنْ نَفْسِي مَا يَخْلُصُهَا، وَأَبْقِ لِنَفْسِي مِنْ نَفْسِي مَا يَضْلِحُهَا، فَإِنَّ نَفْسِي هَالِكَةٌ أَوْ تَعْصِمُهَا»؛ خدایا! چنان کن که نفس من از آنچه رستگاری‌اش در آن است دل برندارد، و به آنچه سامان کارش در آن است مشغول باشد، زیرا نفس من، اگر تو از گناه بازش نداری، حریص و آزمند است (صحیفه سجاده، ۱۳۷۶، ص ۱۰۷-۱۰۸).

تکرار واژه «نفس» که در جانب بنده معنای حقیقی آن است و در جانب پروردگار معنای مشاکله‌ای و مجازی آن، ضمن ایجاد انسجام، آن را به عنوان محور سخن برجسته‌تر می‌سازد.

«اللَّهُمَّ أَنْتَ عَدَّتِي إِِنْ خَزَنْتُ، وَأَنْتَ مُنْتَجَعِي إِِنْ حُرِمْتُ، وَبِكَ اسْتِعَاثَتِي إِِنْ كُرِثْتُ...»؛ خدایا! چون غمگین شوم، تو همه چیز منی، و چون محروم گردم، امید و آرزویم تویی، و چون مصیبتی به من رو کند، به درگاه تو زاری کنم (صحیفه سجاده، ۱۳۷۶، ص ۱۰۸).

امام (ع) با تکرار ضمیر متکلم و مخاطب، ارتباط کلامی زیبایی شکل داده است. از آن جا که دعای مکارم اخلاق در دو محور اخلاق فردی و اجتماعی نگاشته شده است، امام (ع) در دعا بر آن بوده که بین این دو محور انسجام متنی و پیوستار مناسبی

خلق نماید، کما این که در این فرازاها که حول محور اخلاق فردی می‌گذرد مشاهده شد که ایمان کامل، بهترین عمل، نیکوترین نیت، اصلاح خصلت‌های ناپسند و... بهترین یقین را از پروردگار درخواست می‌کنند. ایشان با تکرار واژگان خاص با بار اعتقادی مانند واژه «اللهم» نوعی انسجام بین فرازهای دعا می‌آفرینند، چراکه واژه «اللهم» با ۳۰ بار بسامد، یکی از واژگانی است که از بالاترین تکرار برخوردار است، به‌طوری که می‌توان گفت غالب فرازاها با واژه «اللهم» شروع می‌شوند.

نکته قابل تأمل آن است که نوعی دیگر از تکرار در سطح جمله اتفاق می‌افتد که به دعا پیوستار و انسجام معنایی می‌دهد. این تکرار به دو صورت تکرار جمله کامل یا تکرار ساختار نحوی است:

۱-۱-۲. تکرار جمله

از مهم‌ترین ویژگی‌های ساختار نحوی در دعا، تکرار سبک نحوی در سرتاسر دعاست و اغلب ساختارها به‌صورت معناداری تکرار شده است و پیوستگی و انسجام کامل در دعا را حفظ نموده و سبک شخصی امام(ع) را شکل داده است. جمله مبارکه «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ» ۲۰ بار به‌صورت کامل تکرار شده است. این تکرار علاوه بر ایجاد پیوستار متن، ابراز نیاز و عصاۃ دعا را تقویت می‌کند:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَبَلِّغْ بِإِيمَانِي أَكْمَلَ الْإِيمَانِ ... اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاكْفِنِي مَا يَشْغَلُنِي الْاهْتِمَامُ بِهِ ... اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَلَا تَرْفَعْنِي فِي النَّاسِ دَرَجَةً إِلَّا حَظَّتَنِي عِنْدَ نَفْسِي مِثْلَهَا ... اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَتَمَّعْنِي بِهُدَى صَالِحٍ لَا أَشْتَبِدُ بِهِ ...» (صحیفه سجادیه، ۱۳۷۶، ص ۹۷-۹۹).

یکی دیگر از وجوه انسجامی در دعای مکارم‌الاخلاق تکرار ساختارهای هم‌پایه است.

برای مثال:

اذا + فعل + فاعل + ل + افعَل تفضیل

«وَوَفَّقْنِي إِذَا اشْتَكَتْ عَلَى الْأُمُورِ لِأَهْدَاهَا، وَإِذَا تَشَابَهَتْ الْأَعْمَالُ لِأَزْكَاهَا، وَإِذَا تَنَاقَضَتْ

الْمِلَلُ لِأَرْضَاهَا» (صحیفه سجادیه، ۱۳۷۶، ص ۱۰۹)؛ توفیق ده که درست‌ترین‌شان را انجام دهم، و چون امور به یکدیگر درهم آمیزند، پاکیزه‌ترین آن‌ها را به من بنما، و چون مذاهب و

ملل به ناسازگاری در افتند، مرا به آن مذهب که بیشتر مایهٔ خشنودی توست، راهنمایی کن.

فعل نهی + مفعول به و...

«وَلَا تَجْعَلْ عَيْشِي كَدًّا كَدًّا، وَلَا تَزِدْ دُعَائِي عَلَى رَدًّا، فَإِنِّي لَا أَجْعَلُ لَكَ ضِدًّا، وَلَا أَذْعُو مَعَكَ يَدًّا...»؛ گذران زندگی‌ام را بر من سخت و بغرنج مساز. دعایم را اجابت نشده به من برمگردان، که من برای تو همتایی نمی‌دانم و با وجود تو دیگری را نمی‌خوانم (صحیفه سجاده، ۱۳۷۶، ص ۱۰۹).

فعل امر + مفعول به + حرف جر + اسم موصول + فعل

«وَأَجْعَلْ لِي يَدًا عَلَى مَنْ ظَلَمَنِي، وَلِسَانًا عَلَى مَنْ خَاصَمَنِي، وَظَفَرًا بِمَنْ عَانَدَنِي، وَهَبْ لِي مَكْرًا عَلَى مَنْ كَايَدَنِي، وَقُدْرَةً عَلَى مَنْ اضْطَهَدَنِي، وَتَكْذِيبًا لِمَنْ قَصَبَنِي، وَسَلَامَةً لِمَنْ تَوَعَّدَنِي...»؛ مرا در برابر آن کس که بر من ستم می‌کند، توانایی ده، و در مقابل آن کس که با من به ستیز برخاسته، زبان گویا بخش، و بر آن که با من دشمنی می‌ورزد، پیروزی ده، و در برابر آن کس که مرا می‌فریبد، چاره‌سازی عنایت کن، و در برابر آن کس که مرا زبونِ خودم خواهد، نیرومند گردان. توانم ده که دروغ آن کس را که بر من عیب می‌گیرد، آشکار کنم، و از دست آن کس که در پی آزار من است، رهایی یابم (صحیفه سجاده، ۱۳۷۶، ص ۱۰۰-۱۰۱).

در این نوع سازه‌های جمله‌وار، امام (ع) بر آن است که دو عمل را قرین همدیگر سازد یا عملی را علت یا مقدمه یا نتیجهٔ عمل دیگر قرار دهد. همپایگی در این عبارات، یکسان نیست، گاهی جمله‌های اسمیه بلند و گاهی ساخت همپایه از جملات مکرر اسمیه کوتاه شکل گرفته است. همچنین ایشان از جملات فعلیه همپایه بهره برده است. در واقع، این همپایگی که بدون استثنا در همهٔ فرازهای دعا مشاهده می‌شود انسجام و نظم خاصی را به دعا بخشیده است.

۱-۲-۱. هم‌معنایی

هم‌معنایی یا مترادف یکی از شناخته‌شده‌ترین روابط مفهومی است. دو واژه هم‌معنا را می‌توان به جای یکدیگر به کار برد، گرچه هم‌معنایی مطلق وجود ندارد (پالمر، ۱۷۴،

ص ۱۱۴).

«اللَّهُمَّ إِلَى مَغْفِرَتِكَ وَقَدْتُ، وَإِلَى عَفْوِكَ قَصَدْتُ، وَإِلَى تَجَاوُزِكَ اشْتَقْتُ، وَ بِقَضَائِكَ وَثِقْتُ، وَ لَيْسَ عِنْدِي مَا يَوْجِبُ لِي مَغْفِرَتَكَ، وَ لَا فِي عَمَلِي مَا اسْتَحِقُّ بِهِ عَفْوُكَ، وَ مَا لِي بَعْدَ أَنْ حَكَمْتُ عَلَى نَفْسِي إِلَّا فَضْلُكَ»؛ خدایا! به‌سوی آمرزش آمدم و به‌جانب بخشش روی کردم و به گذشته مشتاقم و به احسانت اعتماد کردم؛ چیزی نزد من نیست که به‌خاطر آن سزاوار آمرزش تو شوم و عملی که به‌خاطر آن مستحق بخشش شوم؛ و پس از این که بر ضد خود داوری کردم، به این نتیجه رسیدم که چیزی جز احسانت برایم نیست (صحیفه سجادیه، ۱۳۷۶، ص ۹۸-۹۹).

در این فراز، میان «مغفرت»، «عفو» و «تجاوز» رابطه‌ی هم‌معنایی وجود دارد و همه در یک حدود معنایی‌اند و همین‌طور میان «وفد» و «قصد» نزدیکی معنایی وجود دارد.

«صُنْ وَجْهِي بِالْيَسَارِ، وَ لَا تَبْتَذِلْ جَاهِي بِالْإِفْتَارِ فَأَسْتَرْزِقَ أَهْلَ رِزْقِكَ، وَ أَسْتَغْطِيَ بِشَرَارِ خَلْقِكَ، فَأَقْتَتِنَ بِحَمْدِ مَنْ أَعْطَانِي، وَ أَتَتَلَى بِدَمِّ مَنْ مَنَعَنِي»؛ آبرویم را به توانگری حفظ کن و قدر و منزلتم را به تنگدستی پست مفرما که از روزی‌خوارانت روزی بخواهم و از بدان و اشار آفریده‌هایت عطایی درخواست کنم، تا به سپاسگزاری کسی که عطایم می‌کند گرفتار شوم و به سرزنش کسی که از عطا کردن به من باز می‌ایستد دچار گردم (صحیفه سجادیه، ۱۳۷۶، ص ۱۱۱).

در این فراز نیز امام(ع) به‌گونه‌ای شکفت واژگانی به کار می‌گیرد که از نظر معنایی مترادف‌اند و کاربردشان از تکرار عین یک لفظ جلوگیری می‌کند. «وجه» و «جاه»، «استرزاق» و «استعطاء» و نیز «افتتان» و «ابتلاء»، این سه دسته معنایی نظیر هم دارند.

۱-۱-۳. هم‌آبی

«هم‌آبی» نوعی دیگر از انسجام واژگانی است و منظور از آن با هم آمدن عناصر واژگانی معینی در چهارچوب موضوع یک متن است که به‌نوعی با هم مرتبط‌اند و به یک حوزه معنایی تعلق دارند و گرد هم آمدن آن‌ها منجر به پیدایش انسجام بین اجزای آن متن می‌شود (فروزنده و بنی‌طالبی، ۱۳۹۳، ص ۱۱۷). پیوند واژگانی غالباً از راه گزینش و تکرار واژگان حاصل می‌گردد و مستلزم تکرار یک واژه خاص، جایگزینی واژه‌ای با یک اسم

عام، کاربرد کلمات مترادف، یا تقریباً مترادف، با یک واژه و نیز کاربرد واژه‌های مرتبط با واژه‌ای است که پیش‌تر در متن ظاهر شده است. واژگانی که با هم می‌آیند می‌توانند مجموعه‌ای واژگانی را شکل دهند (فرج، ۲۰۰۹، ص ۱۱۱).
هم‌آیی در قالب مراعات نظیر و تضاد صورت می‌گیرد:

۱-۱-۳. روابط تضاد

واحد‌های واژگانی در این رابطه معنا‌های متضادی با یکدیگر دارند. با توجه به این که واژگان مترادف و هم‌معنا باعث انسجام متن می‌شود، اما گاهی موضوع اقتضا می‌کند که نویسنده معانی و واژگان متقابل و متضاد بیاورد و متن به واسطه همین تقابل‌ها انسجام می‌یابد و عدول از این طریق در چنین موقعیتی باعث عدم پیوستگی و انسجام متن می‌شود (مسبوق و دلشاد، ۱۳۹۵، ص ۱۲۲).

روابط معنایی متضاد در دعای مکارم الاخلاق فراوان کاربرد دارد و این به دلیل آن است که برای انسان خصلت‌ها و صفات متضادی وجود دارد و انسان همواره میان دوگانه‌های زندگی در حرکت است و دعا اقتضای آن را دارد که اگر یکی از خداوند درخواست شود، از آن دیگری به او پناه برده شود.

«وَلَا تَرْفَعْنِي فِي النَّاسِ دَرَجَةً إِلَّا حَظَّطْتَنِي عِنْدَ نَفْسِي مِثْلَهَا، وَلَا تُحْدِثْ لِي عِزًّا ظَاهِرًا إِلَّا أَخَذْتُ لِي ذُلًّا بَاطِنًا عِنْدَ نَفْسِي بِقَدَرِهَا»؛ و چندان که مرا در چشم مردم بزرگ می‌داری، به همان اندازه پیش خودم خوار گردان، و چندان که مرا عزت آشکار می‌بخشی، به همان مقدار پیش خودم ذلت نفس عنایت کن (صحیفه سجاده، ۱۳۷۶، ص ۹۸-۹۹).

در این فرمایش امام (ع) ترفیع درجه نزد مردم در مقابل پایین آوردن آن پیش نفس قرار گرفته است و عزت ظاهری در برابر ذلت باطنی آمده است. از این کلام چنین به دست می‌آید که دیگر وجوه این تضادها یعنی ترفیع پیش نفس و ذلت ظاهری مطلوب نیست.

«اللَّهُمَّ فَاطْلِبْنِي بِقُدْرَتِكَ مَا أَطْلُبُ، وَأَجْزِنِي بِعِزَّتِكَ مِمَّا أَرْهَبُ»؛ خدایا! آنچه را می‌طلبم، به قدرتت برایم فراهم کن، و از آنچه می‌ترسم، به عزتت پناهم ده (صحیفه سجاده، ۱۳۷۶، ص ۱۱۰-۱۱۱).

۱-۳-۲. تناسب و مراعات نظیر

تناسب عبارت است از جمع بین دو یا چند امری که مناسبتی غیر از مناسبت تضادی با یکدیگر دارند (تفتازانی، ۱۳۹۲، ج ۴، ص ۲۱-۲۲). این عنصر نقش بسزایی در یکپارچگی متن ایفا می‌کند، زیرا در آن از مجموعه‌ای از کلمات استفاده می‌شود که با یکدیگر هماهنگی و ارتباط معنایی خاصی دارند (مختاری و خدابخش‌نژاد، ۱۳۹۷، ص ۱۱۹). در بلاغت از این نوع با عنوان «مراعات نظیر» یاد می‌شود که در آن واژه‌هایی در سخن به کار برده می‌شوند که در معنا با یکدیگر پیوسته و همبسته‌اند، بدین گونه که همه داخل در یک مجموعه و زمینه معنایی قرار داشته و از جهت جنس، نوع، زمان، مکان، همراهی و مانند آن در یک راستا باشند (مطلوب، ۲۰۰۰، ص ۶۱).

«وَاجْعَلْ لِي يَدًا عَلَى مَنْ ظَلَمَنِي، وَ لِسَانًا عَلَى مَنْ خَاَصَمَنِي، وَ ظَفَرًا بِمَنْ عَانَدَنِي، وَ هَبْ لِي مَكْرًا عَلَى مَنْ كَايَدَنِي، وَ قُدْرَةً عَلَى مَنْ اضْطَهَدَنِي، وَ تَكْذِيبًا لِمَنْ قَصَبَنِي، وَ سَلَامَةً لِمَنْ تَوَعَّدَنِي، وَ وَقْفَنِي لِبَاعَةِ مَنْ سَدَّدَنِي، وَ مُتَابَعَةً مَنِ ارْشَدَنِي»؛ و مرا بر کسی که به من ستم می‌کند چیره ساز و بر ضد کسی که با من به مجادله برمی‌خیزد زبان گویا قرار بده و بر کسی که با من دشمنی می‌ورزد، پیروزی ده و علیه کسی که نیرنگم می‌زند، چاره‌جویی بخش، و در برابر آن که به من ستم می‌کند قدرت عنایت کن، و علیه کسی که به من دشنام می‌دهد و غیبت می‌کند، توان تکذیب مرحمت فرما، و از دست کسی که مرا تهدید می‌کند، به سلامت دار، و از آن که مرا به راه صواب می‌برد، توفیق فرمان‌بری ده، و از آن که مرا به راه راست هدایت می‌کند، توفیق پیروی عنایت کن (صحیفه سجاده، ۱۳۷۶، ص ۱۰۱).

در این فراز که مانند آن در دعای مکارم‌الاخلاق فراوان است، واژگانی که همه در یک حوزه معنایی قرار می‌گیرند، مشاهده می‌شود. «ید» و «لسان» دو عضو بدن‌اند و از آن سو، «ظلم»، «خاصم»، «عاند»، «کاید»، «اضطهد»، «قصب» و «توعد» همه در مجموعه دشمنی و آسیب رساندن قرار دارند و نیز «سدد» و «ارشد» تناسب معنایی دارند. بدین ترتیب امام(ع) با استفاده زیبا و به‌جا از حوزه هم‌معنایی انسجام متنی و محتوایی والایی را خلق می‌نمایند.

یکی از زیباترین پیوستارهای دعای مکارم اخلاق آن است که با هنرمندی خاص امام(ع) بین محور اجتماعی و فردی جمع می‌بندد. همان‌طور که در فرازهای بالا مشاهده

می‌کنیم، ابتدا با محور فردی و درخواست وسعت رزق و روزی شروع و در ادامه با محور اجتماعی مانند درخواست دستی توانا در مقابل ظالم و زبانی گویا در برابر دشمنان، بی‌اعتنایی به ثروت مال‌اندوزان، سخن گفتن برای هدایت مردم و پیمودن راه برتر به پایان می‌رساند. این مهم جز با استفاده از ابزارهای آفرینش انسجام متنی امکان‌پذیر نیست.

۲-۱. انسجام دستوری

نحو پدیده‌ای زنده است که پیوسته با موضع دیگری که سیاق متن دربرگیرنده آن است در کنش و واکنش است. تحلیل سبک‌شناسی زبان متن در روشن نمودن دیدگاه‌های نویسنده و افکار و اندیشه او سهیم است و معانی موجود در متن را برای ما مشخص می‌کند (برکات و دیگران، ۲۰۰۴، ص ۱۸۴). سطح نحوی در خلال جمله‌های گفته‌شده یا نوشته‌شده در ضمن ترکیب و تحلیل استنباط می‌شود (حسان، ۱۹۹۸، ص ۱۷۸). دلالت ترکیبی همان نسبت‌ها و ارتباطات موجود میان موقعیت کلمه‌ها در جمله است و هدف از وضع آن بیان معنای مفرد واژه نیست، بلکه هدف آن رساندن معنای ترکیب و نسبت‌هایی همچون فاعل بودن و مفعول بودن و غیره است. منظور از انسجام دستوری این است که ساخت جملات و عناصر دستوری باعث انسجام متن شود، مانند جایگزین کردن ضمیر به جای اسمی که قبلاً در متن ذکر شده است (بامشکی، ۱۳۸۸، ص ۵). انسجام دستوری عبارت است از چینش یک یا چند عنصر از یک لایه زبانی (مثلاً بند) برای تشکیل عنصری متعلق به لایه‌های بالاتر (مثلاً جمله). در این نوع انسجام، بندها از طریق وابستگی و یا پیوند منسجم می‌شوند (بامشکی، ۱۳۸۸، ص ۵). به عنوان مثال، در جمله زیر میان جمله پیرو و پایه از طریق وابستگی، انسجام ایجاد گردیده است، در نتیجه با متنی منسجم روبه‌رویم:

«به دوستم سفارش کردم که به دیدن شما بیاید»

پایه (هسته) پیرو (وابسته)

(وحیدیان کامیار و عمرانی، ۱۳۸۶، ص ۱۱۶).

مهم‌ترین عوامل پیوستگی در انسجام دستوری عبارت‌اند از: ارجاع، ربط، جانشینی، حذف (Halliday & Hasan, 1976, p. 48).

۱-۲-۱. ارجاع

ارجاع رابطه‌ای معنایی است که یک مقوله زبانی را به محیط وصل می‌کند و عبارت‌های ارجاعی اساساً برون‌مرجع هستند. به دیگر بیان، ارجاع عنصری است که با اشاره به عنصری دیگر قابل تفسیر است و معنای آن از طریق کشف مرجع آن مشخص می‌گردد. ارجاع دارای دو گونه درون‌متنی و برون‌متنی است (Halliday & Hasan, 1976, p.303-306). با توجه به این که در ارجاع برون‌متنی، مرجع خارج از متن و به صورت آشکار در دسترس نیست، نقش اساسی در انسجام متن ندارد. بنابراین در این پژوهش به بررسی ارجاع درون‌متنی می‌پردازیم.

ارجاع در متن با ضمیر، اسم اشاره، اسم موصول صورت می‌گیرد و به دو صورت پیش‌مرجع و پس‌مرجع است. در ارجاع پیش‌مرجع، واژه مرجع‌دار پس مرجع خود قرار می‌گیرد و در پس‌مرجع، واژه مرجع‌دار قبل از مرجع خود واقع می‌شود. ارجاع از شایع‌ترین ابزار انسجام متنی در زبان عربی به شمار می‌رود و با برقراری رابطه بین کلمات و جملات مختلف نقش بسزایی را در انسجام ایفا می‌کند (زناد، ۱۹۹۳، ص ۱۱۹؛ ولیی و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۷۸-۷۹). عمده ارجاعات در دعای مکارم‌الاخلاق به صورت پیش‌مرجع و به وسیله ضمیر بوده است. البته ارجاع به اسم اشاره نیز وجود دارد که در ادامه به آن اشاره می‌کنیم:

«وَلَا تَرْفَعْنِي فِي النَّاسِ دَرَجَةً إِلَّا حَظَّطْتَنِي عِنْدَ نَفْسِي مِثْلَهَا، وَلَا تُخْدِثْ لِي عِزًّا ظَاهِرًا إِلَّا أَخْدَثْتُ لِي ذِلَّةً بَاطِنَةً عِنْدَ نَفْسِي بِقَدَرِهَا. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَمَتَّعْنِي بِهَدْيِ صَالِحٍ لَا أَسْتَبْدِلُ بِهِ، وَطَرِيقَةٍ حَقٍّ لَا أَزِيغُ عَنْهَا، وَنِيَّةٍ رُشِدٍ لَا أَشُكُ فِيهَا»؛ و درجه و مرتبه مرا نزد مردم بلند مکن مگر آن که به همان اندازه نزد خودم پست گردانی، و عزت آشکاری برایم ایجاد مکن مگر آن که به همان اندازه، خواری باطنی برایم ایجاد کنی. خدایا! بر محمد و آل محمد درود فرست و مرا به هدایتی شایسته بهره‌مند ساز که آن را با روشی دیگر جابه‌جا نکنم، و راه حقی نصیبم کن که از آن منحرف نشوم، و نیت استواری به من عنایت کن که در آن شک نورزم (صحیفه سجاده، ۱۳۷۶، ص ۹۸-۹۹).

ضمایر در «مِثْلَهَا»، «بِقَدَرِهَا» و همین‌طور در دیگر فقرات کلام امام (ع) با ارجاع به دیگر بخش‌های سخن آن‌ها را به یکدیگر مرتبط می‌سازد.

«اللَّهُمَّ لَا تَدْعُ خَصْلَةً تُعَابُ مِنِّي إِلَّا أَصْلَحْتُهَا، وَلَا عَائِبَةً أُوتِبُ بِهَا إِلَّا حَسَّنْتُهَا، وَلَا أَكْرَمَةً فِي نَاقِصَةٍ إِلَّا أَتَمَمْتُهَا»؛ خدايا! خصلت قابل سرزنی را در وجود من وامگذار جز اين كه اصلاحش كنی، و عيب قابل سرزنی را در عرصه گاه حياتم رها مكن جز اين كه نيكويش گردانی، و كرامتی را در من ناقص مگذار جز اين كه كاملش بسازی (صحیفه سجادیه، ۱۳۷۶، ص ۹۹).

همان طور كه در فرازهای بالا مشاهده نمودیم، امام (ع) با استفاده از ارجاع ضمير، علاوه بر انسجام در متن و ایجاد پیوستار ساختاری، مانع تکرار ممل می شود و مخاطب را جذب می کند و در عین حال، تأثیرگذاری متن را بیشتر می نماید.

یا آن جایی كه امام (ع) در ارتباط با داشتن الكو و اسوه و تعیین جهت گیری در بسط و گسترش عدالت، فروخوردن خشم، به هم پیوستن دل ها و ... می فرماید:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَخَلِّني بِحِلْيَةِ الصَّالِحِينَ، وَالْبِسْني زِينَةَ الْمُتَّقِينَ، فِي بَسْطِ الْعَدْلِ، وَكُظْمِ الْغَيْظِ، وَإِطْقَاءِ النَّائِيَةِ، وَصَمِّ أَهْلَ الْفُوقَةِ، وَاصْلَحِ ذَاتِ الْبَيْنِ، وَإِفْشَاءِ الْعَارِفَةِ، وَسُتْرِ الْعَائِبَةِ، وَلَيْنِ الْعَرِيكَةِ، وَخَفْضِ الْجَنَاحِ، وَحُسْنِ السَّيْرِ، وَسُكُونِ الرِّيحِ، وَطَيْبِ الْمَخَالِقَةِ، وَالسَّبْقِ إِلَى الْفَضِيلَةِ...»، وَأَكْمِلْ ذَلِكْ لِي بِدَوَامِ الطَّاعَةِ، وَلُزُومِ الْجَمَاعَةِ، وَرَفْضِ أَهْلِ الْبِدْعِ، وَمُسْتَعْمِلِ الرَّأْيِ الْمُخْتَرَعِ»؛ خدايا! بر محمد و آلش درود فرست و مرا به زیور شایستگان بیارای و زینت پرهیزکاران را به من بپوشان كه زیور و زینت شایستگان و پرهیزکاران در این امور است: گسترش عدالت، فروخوردن خشم، خاموش كردن آتش فتنه، جمع كردن پراكنده شدگان، اصلاح بین مردم، آشكار كردن كارهای خوب مردم، پوشاندن عیوب انسان ها، نرم خویی، فروتنی، خوش رفتاری، آرامش، وقار، خوش اخلاقی، پيشی گرفتن به سوی فضیلت، انتخاب نیکی و احسان، ترك سرزنش، خوبی كردن به غیر مستحق، حق گویی گرچه سنگین باشد، اندك شمردن گفتار و كردار خوبم، هرچند زیاد باشد، و زیاد شمردن گفتار و رفتار بدم، هرچند اندك باشد، و همه این امور را به دوام اطاعت از حضرتت و همراهی با مسلمانان و دست برداشتن از اهل بدعت و آنان كه رأی ساختگی در دین را به كار می گیرند، كامل كن (صحیفه سجادیه، ۱۳۷۶، ص ۱۰۲-۱۰۳).

در این فراز اسم اشاره «ذلك» به صفات پسندیده برمی گردد. یکی از دلایل کاربرد ارجاع اشاری در این جا نشان دادن اهمیت جایگاه صفات پسندیده و توجه ویژه جهت

عملی کردن آن در جوامع اسلامی است. با به کارگیری اسم اشاره همه این فراز را که بالغ بر ۲۰ جمله دعائیّه است به هم پیوند می‌دهد.

«اللّٰهُمَّ اجْعَلْنِيْ اُصُوْلُ يَكْ عِنْدَ الضَّرُوْرَةِ، وَ اَسْأَلُكَ عِنْدَ الْحَاجَةِ، وَ اَتَضَرَّعُ اِلَيْكَ عِنْدَ الْمُسْكِنَةِ، وَ لَا تَقْنِيْ بِالْاِسْتِعَاْنَةِ بِغَيْرِكَ اِذَا اضْطُرْتُ، وَ لَا بِالْخُضُوْعِ لِسُوْالِ غَيْرِكَ اِذَا افْتَقَرْتُ، وَ لَا بِالْتَضَرُّعِ اِلَى مَنْ دُوْنِكَ اِذَا رَهَيْتُ، فَاسْتَحِقْ بِذَلِكَ خِذْلَانِكَ وَ مَنَعَكَ وَ اِعْزَاضَكَ»؛ خدایا! چنانم قرار ده که هنگام ضرورت با کمک حضرتت به دشمنان حمله کنم، و به هنگام اقتضا و لزوم از تو بخواهم، و زمان درماندگی و مسکنت، به درگاه تو بنالم، و مرا به این امور امتحان مکن: کمک خواستن از غیر خودت هنگامی که تنگدست و ناچار شوم؛ به خاکساری و فروتنی در برابر ماسوای وجودت زمانی که به تهیدستی گرفتار آیم؛ و زاری کردن به درگاه غیر حضرتت وقتی که دچار ترس شوم تا به خاطر این امور مستحق خواری و منع نعمت و روی گردانی و بی‌اعتنایی تو گردم (صحیفه سجاده، ۱۳۷۶، ص ۱۰۴).

در این سخن امام(ع) با اسم اشاره «ذلک» میان دو بخش سخن ارتباط برقرار شده است.

۱-۲-۲. جانشینی

«جانشینی» عبارت است از قرار گرفتن یک عنصر زبانی به جای عنصر زبانی دیگر، بدین صورت که به جای تکرار یک صورت خاص در متن، اعم از کلمه یا عبارت، از کلمه یا عبارت دیگری استفاده شود. هدف از جایگزینی، برقراری ارتباط بین عناصر یک یا چند جمله در یک متن است. جانشینی علاوه بر انسجام بخشی به متن، از تکرار نابه‌جا و غیرضروری در متن جلوگیری می‌نماید. مثلاً در جمله «مداد من شکسته است، باید یکی دیگر بگیرم»، واژه «یکی» جایگزین «مداد» شده است. به دلیل آن که جانشینی رابطه‌ای بین واژه‌هاست نه معانی، انواع جانشینی به لحاظ دستوری طبقه‌بندی شده است (Salkie, 1995, p.13). در عبارت زیر، امام(ع) با تضرع از پروردگار می‌خواهد که از رذائل اخلاقی مانند خودپسندی، غرور، منت نهادن و... حفظش نماید و در پایان هر جمله همان مفهوم منفی را با جایگزینی مضامین مثبت مورد تأکید قرار می‌دهد. در پایان، با جایگزین کردن ترکیب «معالی الاخلاق» به جای واژگان قبلی، که جامع همه ارزش‌ها و

فضائل اخلاقی است، ضمن ایجاد انسجام در متن، محتوای والای دعا را تثبیت می‌کند. از مهم‌ترین ویژگی‌های سبکی امام (ع) توازن بین انسجام دستوری و محتوای که جذابیت و تأثیر دعا را دوچندان می‌سازد، چنان‌که در مثال زیر مشاهده می‌کنیم:

«وَلَا تُفْتِنِّي بِالنَّظَرِ، وَأَعِزَّنِي وَلَا تَبْتَلِيَنِي بِالْكِبَرِ، وَعَبَّدْنِي لَكَ وَلَا تُفْسِدْ عِبَادَتِي بِالْعُجْبِ، وَ أَجْرِ لِلنَّاسِ عَلَى يَدِي الْخَيْرَ وَلَا تَمَحَقَّهُ بِالْمَنِّ، وَ هَبْ لِي مَعَالِيَ الْأَخْلَاقِ، وَ اغْصِمْنِي مِنَ الْفَقْرِ»؛ و مرا به چشمداشت نسبت به آنچه در دست این و آن است دچار مکن و ارجمندم ساز، و مرا به سرکشی و گردن‌کشی، گرفتار مساز، و بر مدار بندگی‌ات قرار ده و عبادتم را به خودپسندی تباه مکن و خیر و نیکی را به دست من برای تمام مردم جاری ساز و آن را با آلوده شدن به منت نابود مکن و اخلاق شریفه و بلندمرتبه به من ببخش و از فخرفروشی نگاهم دار (صحیفه سجاده، ۱۳۷۶، ص ۹۸).

۱-۲-۳. حذف

سومین عنصر ایجاد پیوستگی دستوری در متن «حذف» است. البته حذف میان عناصر متنی رابطه معنایی برقرار نمی‌کند، بلکه رابطه‌ای دستوری را بنیاد می‌نهد که در آن عنصری حذف می‌شود. ایجاد انسجام به وسیله عنصر حذف ناشی از این واقعیت است که اهل زبان برای ایجاد ارتباط، تنها به واژه‌ها و معنای تحت‌اللفظی آن‌ها متکی نیستند، بلکه به تأثیر بافت و موقعیت متن در ارتباط و انتقال معنا توجه دارند. فرایند حذف خالی گذاشتن جاهایی از متن است که در جای دیگری پر شده است (شیری، ۱۳۸۲، ص ۱۲). حذف یک پیوند درون‌متنی است و در بیشتر موارد عنصر پیش‌انگاشته در متن قبلی وجود دارد (Halliday & Hasan, 1976, p. 144)، مانند «علی کتابش را آورد و درس خواند». شایان ذکر است هر چه امکان حذف در کلام، چه لفظی و چه معنوی، بیشتر باشد، ارتباط اجزای کلام و در نتیجه انسجام متن بیشتر می‌شود. از نظر هالیدی و حسن، این عامل انسجام‌بخش در سه سطح اسمی، فعلی و بندی قرار می‌گیرد (Halliday & Hasan, 1976, p. 147).

از بارزترین ویژگی‌های انسجام و پیوستار متنی دعای مکارم اخلاق، اسلوب حذف است که به صورت منظم در غالب عبارت‌های دعای مبارک به چشم می‌خورد. با توجه به

این که اسلوب حذف امام(ع) نوعی ایجاز مقبول خلق کرده است، مخاطب را خسته نمی‌کند و تأثیر آن را چندبرابر می‌کند.

برای مثال، در عبارات زیر تعبیر «أُبْدِلْنِي» از آغاز هشت فقره پس از فقره نخست،

حذف گردیده است و در عین اختصارسازی، انسجام سخن بیشتر شده است:

«وَأُبْدِلْنِي مِنْ بَعْضَةِ أَهْلِ الشَّئَانِ الْمُحَبَّةِ، وَ مِنْ حَسَدِ أَهْلِ الْبَغْيِ الْمَوْدَّةِ، وَ مِنْ ظَنَّةِ أَهْلِ الصَّلَاحِ الثَّقَّةِ، وَ مِنْ عَدَاوَةِ الْأَذْنَيْنِ الْوَلَايَةِ، وَ مِنْ عُقُوقِ ذَوِي الْأَرْحَامِ الْمَبَرَّةِ، وَ مِنْ خِذْلَانِ الْأَفْرَيقَيْنِ النُّصْرَةِ، وَ مِنْ حُبِّ الْمُدَارَيْنِ تَصْحِيحِ الْمَقَّةِ، وَ مِنْ رَدِّ الْمُلَاسِيَيْنِ كَرَمِ الْعِشْرَةِ، وَ مِنْ مَرَازَةِ خَوْفِ الظَّالِمِينَ خَلَاوَةِ الْأَمْنَةِ الْأَمْنَةِ»؛ و [این خصلت‌هایی که می‌شمارم، به نفع من] تغییر ده: شدت کینه دشمنان را به محبت، و حسد متجاوزان را به مودت و بدگمانی، و تهمت اهل صلاح را به اطمینان، و دشمنی نزدیکان را به دوستی، و مخالفت خویشان را به خوش‌رفتاری، و تنها و بی‌یار گذاشتن نزدیکان را به یاری، و دوستی فرییکاران را به درست شدن دوستی، و رد کردن همنشینان را به رفتاری کریمانه، و تلخی ترس از ستمکاران را به شیرینی امنیت (صحیفه سجادیه، ۱۳۷۶، ص ۱۰۰).

در فراز زیر ۲۰ بار در ابتدای جمله‌ها حذف صورت گرفته است:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ خَلِّني بِحُلِيَّةِ الصَّالِحِينَ، وَ أَلْبِسْني زِينَةَ الْمُتَّقِينَ، فِي بَسْطِ الْعَدْلِ، وَ كَظْمِ الْغَيْظِ، وَ إِظْفَاءِ النَّائِرَةِ، وَ صَمِّ أَهْلَ الْفُرْقَةِ، وَ إِصْلَاحِ ذَاتِ الْبَيْنِ، وَ إِفْشَاءِ الْعَارِفَةِ، وَ سِتْرِ الْعَائِيَةِ، وَ لَيْنِ الْعَرِيكِه، وَ خَفْضِ الْجَنَاحِ، وَ حُسْنِ السَّيْرِ، وَ سُكُونِ الرِّيحِ، وَ طَيْبِ الْمُخَالَقَةِ، وَ السَّبْقِ إِلَى الْفَضِيلَةِ، وَ إِيقَارِ النَّفْضِ، وَ تَزَكِ التَّغْيِيرِ،»؛ خدایا! بر محمد و آلش درود فرست و مرا به زیور شایستگان بیارای و زینت پرهیزکاران را به من بپوشان که زیور و زینت شایستگان و پرهیزکاران در این امور است: گسترش عدالت، فروخوردن خشم، خاموش کردن آتش فتنه، جمع کردن پراکنده‌شدگان، اصلاح بین مردم، آشکار کردن کارهای خوب مردم، پوشاندن عیوب انسان‌ها، نرم‌خویی، فروتنی، خوش‌رفتاری، آرامش، وقار، خوش‌اخلاقی، پیشی گرفتن به سوی فضیلت، انتخاب نیکی و احسان، ترک سرزنش (صحیفه سجادیه، ۱۳۷۶، ص ۱۰۲).

۳-۱. انسجام پیوندی (ربط)

عامل انسجام ربطی یا پیوندی را مهم‌ترین عامل انسجام متن باید دانست، به گونه‌ای که وجود متنی بدون حضور ادوات ربطی غیرقابل تصور است. کریستال پیوند را از اولین عامل انسجام متن می‌داند (دایک، ۲۰۰۰، ج ۲، ص ۲۵۷؛ نظری، ۱۳۹۲، ص ۳۶). هالیدی عوامل ربط را به چهار دسته تقسیم کرده است: ۱. افزایشی شامل «واو، به علاوه، به اضافه، مضافاً و...»؛ ۲. تقابلی شامل «لیکن، اما، ولی، در واقع و...»؛ ۳. سببی شامل «بنابراین، ازاین‌رو، پس، لذا، در نتیجه و...»؛ ۴. زمانی شامل «سپس، بعد، بعداً، در نهایت و...» (Halliday & Hasan, 1976, p. 238-239). بنابراین حروف ربط از مهم‌ترین عناصر کلامی است که معانی دو گزاره را تبیین می‌نماید. این حروف ربط نقش اساسی در تبیین ساخت‌های گفتمانی دارند و بی‌توجهی به این اجزای کوچک، مخاطب را از درک متون بازمی‌دارد. لذا این حروف علاوه بر ایجاد ساخت‌های همپایه، روابط معنای گفتمانی را شکل می‌دهند. غالب معانی پیوندی در دعای مکارم اخلاق مربوط به معنای اضافی است که در اینجا نمونه‌هایی را ذکر می‌کنیم:

۱-۳-۱. معانی اضافی

این رابطه معنایی، زمانی برقرار می‌شود که جمله‌ای درباره محتوای جمله پیشین در متن، مطلبی اضافه کند. این افزوده ممکن است جنبه توضیحی، تمثیلی و مقایسه‌ای داشته باشد (اخلاقی، ۱۳۷۶، ص ۸۹). امام سجاده(ع) با توجه به فلسفه و هدف دعا مبنی بر درخواست و تضرع به درگاه ذات احدیت، در اسلوبی منسجم معنای دعا را تعالی بخشیدند و یک آفرینش ادبی زیبا را خلق نمودند، به طوری که می‌توان گفت ۹۵ درصد متن دعا دارای معنای اضافی است و این امر باعث وحدت موضوعی شده است و سبک شخصی امام(ع) را تبیین می‌نماید. در این جا نمونه‌هایی از این آفرینش‌های زیبا را ذکر می‌کنیم:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْ لِي يَدًا عَلَى مَنْ ظَلَمَنِي، وَلِسَانًا عَلَى مَنْ خَاصَمَنِي، وَظَعْرًا بِمَنْ عَادَنِي، وَهَبْ لِي مَكْرًا عَلَى مَنْ كَايَدَنِي، وَقُدْرَةً عَلَى مَنْ اضْطَهَدَنِي، وَتَكْذِيبًا لِمَنْ قَصَبَنِي، وَسَلَامَةً مِمَّنْ تَوَعَّدَنِي، وَوَقْفِي لِبَطَاعَةِ مَنْ سَدَّدَنِي، وَمُتَابَعَةٍ مِّنْ أَرْشَدَنِي. اللَّهُمَّ صَلِّ

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَ سَدَّدْنِي لِأَنْ أَعَارِضَ مَنْ عَشَّيْنِي بِالنُّصْحِ، وَأَجْزِي مَنْ هَجَرَنِي بِالْبِرِّ، وَأُثِيبَ مَنْ خَزَمَنِي بِالْبَدْلِ، وَ أَكْفِي مَنْ قَطَعَنِي بِالضَّلَّةِ، وَ أَخَالِفَ مَنْ اغْتَابَنِي إِلَى حُسْنِ الذِّكْرِ، وَ أَنْ أَشْكُرَ الْحَسَنَةَ، وَ أَغْضَى عَنِ السَّيِّئَةِ...»؛ خدایا! بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا در برابر آن کس که بر من ستم می‌کند، توانایی ده، و در مقابل آن کس که با من به ستیز برخاسته، زبانِ گویا بخش، و بر آن که با من دشمنی می‌ورزد، پیروزی ده، و در برابر آن کس که مرا می‌فریبد، چاره‌سازی عنایت کن، و در برابر آن کس که مرا زبون خود می‌خواهد، نیرومند گردان. توانم ده که دروغ آن کس را که بر من عیب می‌گیرد، آشکار کنم، و از دستِ آن کس که در پی آزار من است، رهایی یابم، و توفیقم ده تا از کسی فرمان‌بری کنم که مرا به راه راست می‌برد، و در پی کسی روم که مرا به جادهٔ خیر و صلاح می‌کشد. خدایا! بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا بر آن دار که خیرخواه کسی باشم که بدخواه من است، و به آن کس که از من کناره می‌گیرد، پاسخ نیک دهم، و به کسی که مرا محروم می‌کند، بخشش نمایم، و کار کسی را که از من می‌بُرد، با آشتی تلافی کنم، و کسی را که دربارهٔ من غیبت می‌کند، به نیکی یاد آورم، و خوبی را سپاس گویم و از بدی چشم برگیرم (صحیفهٔ سجادیه، ۱۳۷۶، ص ۱۰۰-۱۰۱).

یا فراز دیگری که یاد شد: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَبْدِلْنِي مِنْ بَعْضَةِ أَهْلِ السَّنَنِ الْمُحَبَّةِ، وَ مِنْ حَسَدِ أَهْلِ الْبُغْيِ الْمَوْدَّةِ،...».

عمدهٔ انسجام متنی در قالب معانی اضافی و به‌وسیلهٔ حرف عطف «و» که بالغ بر ۳۰۰ بار در دعا تکرار شده است، خلق می‌شود. دو فراز بالا اوج محور اجتماعی دعای مکارم اخلاق است که به موضوعات والایی مانند پاسخ خوب در برابر کار بد، درخواست رفع خدعهٔ مکاران، همکاری با دیگران و خدمت به جامعه، درخواست تبدیل حسد به مودت و... در نهایت پیوستگی و انسجام می‌پردازد، به‌طوری که با تمام شدن هر جمله مخاطب منتظر تکمیل معنای آن با جملهٔ بعدی است.

۱-۳-۲. علی و معلولی

این رابطهٔ معنایی هنگامی میان جمله‌ها برقرار می‌شود که رویداد فعل جمله، با رویداد جملهٔ دیگر ارتباط سببی داشته باشد. این ارتباط سببی شامل روابط علی، نتیجه، هدف و

شرط می‌شود (اخلاقی، ۱۳۷۶، ص ۹۵). امام (ع) در دعای مکارم اخلاق از رابطه علی و معلولی نیز بهره برده‌اند، آن‌جا که می‌فرمایند:

«عَمَّرَنِي مَا كَانَ عُمْرِي بِدَلَّةٍ فِي طَاعَتِكَ، فَإِذَا كَانَ عُمْرِي مَزْتَعًا لِلشَّيْطَانِ فَأَقْبِضْنِي إِلَيْكَ قَبْلَ أَنْ يَسْبِقَ مَقْتُكَ إِلَيَّ، أَوْ يَسْتَحْكَمْ غَضَبُكَ عَلَيَّ»؛ و مرا زنده دار مادامی که عمرم در طاعت تو به کار رود، و هنگامی که عمرم بخواهد چراگاه شیطان شود، جانم را بستان، پیش از آن که دشمنی و نفرت بر من پیشی گیرد یا خشم نسبت به من پابرجا و استوار شود (صحیفه سجاده، ۱۳۷۶، ص ۹۹).

نتیجه‌گیری

دعای مکارم اخلاق از چنان انسجامی برخوردار است که جمله‌های هر فراز، به‌هم پیوسته و کامل‌کننده همدیگرند. انسجام در سه سطح واژگانی، دستوری و پیوندی اتفاق افتاده است. در سطح واژگانی، تکرار واژگان و جمله، هم‌معنایی و هم‌آیی می‌باشد. در سطح دستوری شامل ارجاع پیشینی به دو صورت ضمیر و اسم اشاره، جانشینی، حذف در اسم، فعل و حرف، و در انسجام پیوندی بسامد معانی اضافی و علی و معلولی قابل توجه است.

از برجسته‌ترین ویژگی‌های عناصر انسجام‌بخش این است که امام (ع) به فراخور موضوع، در کلامش از سه سطح مذکور بهره برده است. تکرار این عناصر در دعای مکارم اخلاق ایدئولوژی معناداری به آن‌ها داده است، چراکه تکرار هر کدام از این سطوح علاوه بر ایجاد پیوستار متنی، دارای معنای خاص می‌باشد و اثر انفعالی را در مخاطب برمی‌انگیزاند. در واقع، مرکزیتی را شکل می‌دهد که موجب انسجام ساختاری و محتوایی در دعای بیستم صحیفه سجاده شده است.

دعای مکارم اخلاق از لحاظ محتوایی، دو سویه اجتماعی و فردی دارد. در آن مکارم اخلاقی مانند ایمان، یقین، نیت، عمل و عزت، توسعه روزی، عبادت، دست به خیر بودن، اخلاق خوب و در واقع، همه صفات پسندیده را به جامعه توصیه می‌کند و از رذائل اخلاقی بازمی‌دارد. امام (ع) با تکیه بر عناصر انسجام‌بخش چگونگی زندگی جمعی و فردی را در قالبی مستحکم و متین بیان فرموده است. کاربرد عناصر انسجام‌بخش، علاوه

بر خلق زیبایی سبکی، نقش عمده‌ای در جذب و کشش مخاطب دارد، چراکه توازن بین سبک بیانی و محتوای کلام عامل اصلی تأثیر و جذب مخاطب است.

فهرست منابع

۱. صحیفه سجادیه. (۱۳۷۶ش). ترجمه حسین استاد ولی، قم. نشر الهادی.
۲. صحیفه سجادیه. (بی‌تا). ترجمه استاد شیخ حسین انصاریان. مرکز طبع و نشر قرآن جمهوری اسلامی ایران (فایل الکترونیکی).
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم بن علی. (۱۳۶۳ش). لسان العرب. قم: نشر ادب حوزه.
۴. اخلاقی، اکبر. (۱۳۷۶ش). تحلیل ساختاری منطق الطیر عطار. اصفهان: فردا.
۵. امینی، محمدرضا. (۱۳۸۸ش). آستانه انتخاب مفهومی ضروری در بررسی تحولات ادبی و سبک‌شناسی. شعرپژوهی، (۲۱)، ۴۶-۲۱. <https://doi.org/10.22099/jba.2012.338>
۶. اناری بزلوئی، ابراهیم؛ امیدوار، احمد. (۱۳۹۱ش). پژوهشی در تنوع واژگان شعری؛ مطالعه موردی: اشعار رهی معیری، هوشنگ ابتهاج و فریدون مشیری. پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی. (۱۰)، ۵۸-۳۱.
۷. بامشکی، سمیرا. (۱۳۸۸ش). بررسی عوامل سازنده ابهام در مقالات شمس، با تأکید بر مسئله انسجام دستوری، مطالعات عرفانی، (۲)، ۸۶-۴۵.
۸. برکات و دیگران. (۲۰۰۴م). اتجاهات نقدیة حدیثیة و معاصرة، (ط۱)، دمشق: انتشارات دانشگاه دمشق.
۹. پالمر، فرانک. (۱۳۷۴ش). نگاهی تازه به معناشناسی، (مترجم: کوروش صفوی). تهران: نشر نو.
۱۰. تفنازانی، سعدالدین. (۱۳۹۲ش). الإصباح فی شرح تلخیص المفتاح المعروف بالمطول، (با حواشی ادیب دُرّه‌صوفی). قم: دارالحجّه.
۱۱. تهنوی، محمدعلی. (۱۹۹۶م). موسوعة کشاف اصطلاحات الفنون و العلوم. بیروت: مکتبه لبنان ناشرون.
۱۲. حسان، تمام. (۱۹۹۸م). اللغة العربیة، معناها و مبناها. قاهرة: عالم الکتب.
۱۳. خرقانی، حسن. (۱۴۰۳ش). علوم بلاغی و زیبایی‌شناختی قرآن ۲. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۴. خطابی، محمد. (۱۹۹۱م). لسانیات النص (مدخل إلى انسجام الخطاب)، بیروت: المركز الثقافی العربی.
۱۵. داد، سیما. (۱۳۸۳ش). فرهنگ اصطلاحات ادبی. تهران: انتشارات مروارید.
۱۶. زناد، ازهر. (۱۹۹۳م). نسیج النص «بحث فی ما یکون به الملفوظ نصا»، بی‌جا: الدار البیضاء، المركز الثقافی العربی.
۱۷. سی. کی. اگدن، آی. ای. ریچاردز. (۱۳۹۲ش). معنای معنا، مقدمه و تحلیل و ترجمه: محمود فضیلت و مریم نویدی. تهران: زوار.
۱۸. شیریزاده، علی‌اکبر. (۱۳۸۲ش). عوامل انسجام در فارسی. آموزش زبان و ادب فارسی، (۶۸).
۱۹. غنیمی هلال، محمد. (۲۰۰۱م). النقد الأدبی الحديث. قاهرة: نهضة مصر.

۲۰. فان، دایک. (۲۰۰۰م). النص و السياق لاستقصاء البحث فی الخطاب الدلالي و التداولی، (ترجمة عبدالقاهر قنینی). المغرب: أفريقيا الشرق.
۲۱. فرج، حسام احمد. (۲۰۰۹م). نظرية علم النص: رؤية منهجية فی بناء النص الثری، (با مقدمه سلیمان عطار و محمود فهمی حجازی). قاهره: مكتبة الآداب.
۲۲. فروزنده، مسعود و بنی طالبی، امین. (۱۳۹۳ش). ابزارهای آفریننده انسجام متنی و پیوستار بلاغی در ویس و رامین. شعرپژوهی دانشگاه شیراز، ۶(۲)، ۱۰۷-۱۳۴.
۲۳. متحدين، ژاله. (۱۳۵۴ش). تکرار، ارزش صوتی و بلاغی آن. دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد. ۱۱(۳)، ص ۵۱-۵۶.
۲۴. مختاری، قاسم و مهرانگیز خدابخش نژاد. (۱۳۹۷ش). تحلیل زیبایی‌شناسی آیات قرآن کریم بر پایه عنصر انسجام و پیوستگی بررسی نمونه‌ای سوره‌های جزء سی‌ام. پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن، ۷(۱)، ص ۱۰۷-۱۲۶. <https://doi.org/10.22108/nrgs.2017.106246.1160>
۲۵. مسبوق، مهدی، شهرام، دلشاد. (۱۳۹۵ش). بررسی عناصر انسجام متن در داستان حضرت موسی با رویکرد زبان‌شناسی نقش‌گرا. پژوهش‌های ادبی - قرآنی، ۴(۱)، ص ۱۱۴-۱۲۹. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.23452234.1395.4.1.5.2>
۲۶. مصلوح، سعد. (۱۹۹۰م). من نحو الجملة الى نحو النص، الكتاب التذکاري بقسم اللغة العربية. اعداد ودیعة طه. کویت: نجم عبدو بدوی.
۲۷. مطلوب، احمد. (۲۰۰۰م). معجم مصطلحات البلاغیة و تطوّرها. بیروت: مكتبة لبنان ناشرون.
۲۸. ملائكة، نازک. (۱۹۷۸م). قضايا الشعر المعاصر. بی‌جا: دار العلم للملايين.
۲۹. مهاجر، مهران و محمد نبوی. (۱۳۷۶ش). به سوی زبان‌شناسی شعر: رهیافتی نقش‌گرا. تهران: نشر مرکز.
۳۰. ولیتی، یونس؛ میرزائی الحسینی، سید محمود؛ فرهادی، محمد. (۱۳۹۵ش). عوامل انسجام متنی در سوره نوح. پژوهش زبان‌شناختی. ۵(۱)، ص ۶۹-۸۶. <https://doi.org/10.22108/nrgs.2016.20532>
31. Halliday, M.A.K.; Hassan, R. (1976). *Cohesion in English*, London: Longman.
32. Salkie, Raphael. (1995). *Text and Discourse Analysis*. London and New York: Routledge.